

تفسير احمد

سورة النصر

Ketabton.com

110

شماره

ترجمه و تفسير سورة «النصر»

تتبع و نگارش: امين الدين سعيدي - سعيد افغانى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره النصر

جزء 30

این سوره در «مدینه» نازل شده و دارای 3 آیه است.

وجه تسمیه:

این سوره بدین سبب «نصر» نام گرفت که با این فرموده خدای تبارک و تعالی: «إِذَا جَاء نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» افتتاح شده است و مراد از آن، فتح مکه مکرمه یعنی همان فتح اکبری است که فتح الفتوح نام گرفت. برخی مفسرین می نویسند که مراد از آن تنها فتح مکه نه بلکه فتح کلی است که دین مقدس اسلام است آنرا نصیب گردید.

سایر نام های این سوره :

برخی از مفسران نگاشته اند که : این سوره به نام «تودیع» نیز نامیده می شود و دلیل آن اینست که : رسول الله صلی الله علیه وسلم بعد از نزول آن فقط هفتاد روز زنده بودند و در ربیع الاول سال دهم هجری به رحمت حق پیوستند.

ابن عباس رضی الله عنهما میگوید: «این آخرین سوره قرآن کریم از نظر نزول است». ابن عمر رضی الله عنهما میفرماید : «این سوره در میانه ایام تشریق بر رسول الله صلی الله علیه و سلم نازل شد پس دانستند که این پیام وداع است آن گاه سوار بر ناقه قصوی خطبه مشهور خویش را که خطبه حجة الوداع است، ایراد نمودند». و راجع به فضیلت آن در حدیث شریف آمده است: «إِذَا جَاء نَصْرُ اللَّهِ مُعَادِلُ رُبْعِ قرآن است».

زمان نزول سوره النصر:

در مورد زمان نزول سوره النصر روایات مختلفی از جانب مفسران تحریر یافته که در ذیل موجزاً تحریر می یابد :

الف : فتح مکه در سال هشتم هجری ماه رمضان به وقوع پیوست و برخی می گویند: این سوره در سال دهم هجری نازل شد. گویند: آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس از نزول این سوره به مدت هفتاد روز در قید حیات در این جهان بود و در ماه ربیع الاول سال دهم ه.ق. رحلت فرمود. از این رو آن را سوره ی «تودیع» گفته اند.

ب: برخی از مفسران می فرمایند که: این سوره پیش از فتح مکه نازل شد که خداوند وعده اش را به پیامبر صلی الله علیه وسلم داده بود؛ همان گونه که در سوره قصص می فرماید: « إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلَى مَعَادٍ ... »: قطعاً همان خدایی که تبلیغ این قرآن را بر تو واجب گردانید، تو را به سوی معاد (مکه) باز می گرداند.... (قصص/۸۵).

در این سوره در جنب اینکه پروردگار با عظمت از فتح مکه به پیامبر اسلام مژده میدهد، مژده این را هم میدهد که پروردگار پیامبر اسلام را در این فتح یاری هم میرساند و مردم دسته دسته و گروه گروه داخل دین اسلام می گردند، طوری که بسیاری از آنان یاوران او خواهند شد، در حالیکه قبلاً دشمن سر سخت رسول الله صلی الله علیه وسلم بودند. مفسران در تفاسیر خویش می افزایند: اطلاع از فتح قبل از وقوع آن در ذات خود

معجزه‌ای از معجزات نبوت می باشد. مفسر مشهور جهان اسلام امام فخر رازی رحمه الله این قول را صحیح‌تر میدانند.

ابن عمر (رض) می فرماید: این سوره در منی در حجت الوداع نازل شد و سپس آیهی «... الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی...» (مائده/۳) فرود آمد. پس از این آیه آنحضرت صلی الله علیه وسلم هشتاد روز، در قید حیات این دنیا بود، سپس آیهی کلاله (آیه مبارکه 12 و 176 سوره نساء) نازل شد و آنحضرت پنجاه روز از عمر مبارکش باقی مانده بود، سپس آیه ی «لقد جاءکم رسول من انفسکم...» (توبه 128 و 129) نازل شد و آنحضرت سی و پنج روز دیگر در قید حیات بود، آن گاه، آیهی «و اتقوا یوما ترجعون فیهِ الی الله...» (سوره بقره/281) نازل شد که بیست و یک روز بیشتر به رحلت حضرت نمانده بود.

حضرت ابن عباس (رض) نقل می کند: هنگامی که این سوره نازل شد، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند که به من اطلاع داده شده که وفات من نزدیک شده و اجل من فرارسیده است. [مسنداحمد، ابن جریر، ابن المنذر، ابن مردویه].

در روایت های دیگری که از ابن عباس (رض) نقل شده اند در آن ها آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم از نزول همین سوره متوجه شده بود که به او اطلاع داده شده که وفات او نزدیک شده است. (مسنداحمد، ابن جریر، طبرانی، نسائی، ابن ابی حاتم، ابن مردویه).

ام المؤمنین ام حبیبه (رض) می فرماید که هنگامی که این سوره نازل شد، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند، من در همین سال دارفانی را وداع خواهم گفت. با شنیدن این مطلب فاطمه (رض) به گریه افتادند. به دنبال آن رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند تو اولین کسی از خانواده ی من هستی که به من می پیوندی. با شنیدن این مطلب، ایشان خندیدند. [ابن ابی حاتم، ابن مردویه] تقریباً روایتی نزدیک به همین بیهقی از ابن عباس را نقل کرده است.

بخاری و دیگران از ابن عباس رضی الله عنهما روایت فرموده اند که: عمر (رض) مرا با بزرگان یاران رسول الله (ص) که در غزوه ی بدر شرکت کرده بودند، به مجلس اش فرا می خواند و می نشاند. این عمل برای برخی از بزرگان یک مقداری خوشایند نبود، پس اعتراض کردند و گفتند ما هم پسرانی هم سن و سال این داریم، پس چرا تنها این را به مجلس ما راه می دهند؟ (امام بخاری و ابن جریر تصریح کرده اند که کسی که این مطلب را گفت، عبدالرحمان بن عوف (رض) بود.) عمر (رض) جواب داد شما از جایگاهی که او از لحاظ علم دارد نیک آگاهید. سپس ایشان روزی شیوخ بدر را فرا خواندند و مرا هم به همراه آنان فرا خواندند. من متوجه شدم که علت فراخواندن من در آن روز این است که عمر (رض) می خواهند به آنان بفهمانند که چرا مرا به مجلس و محفلی که آنان در آن حضور می یابند راه می دهند. در حین گفتگو عمر (رض) از بزرگان بدر پرسید که برداشت شما از: «إذا جاء نصر الله والفتح» چیست؟ برخی گفتند، در این سوره به ما دستور داده شده است که هنگامی که یاری خدا فرا رسد و فتح و پیروزی نصیب ما شود، ما الله را به پاکی بستاییم و از او آمرزش بطلبیم. برخی گفتند مراد از آن فتح شهرها و سنگرها است. برخی هم سکوت کردند. پس از آن عمر (رض) رو به من کرد و فرمود، ابن عباس، برداشت تو هم همین است؟ من عرض کردم

خیر. پرسید پس برداشت تو چیست؟ عرض کردم برداشت من این است که مراد از آن اجل رسول الله صلی الله علیه وسلم است. در واقع در این سوره به رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده شده است که چون یاری الله فرارسد و فتح و پیروزی نصیب شود، این نشانه ی آن است که اجل و مدت مأموریت شما تمام شده است و پس از آن ایشان باید الله را به پاکی یاد کنید و از ایشان آمرزش بطلبند. به دنبال آن عمر (رض) فرمودند که نظر من هم همین است. در روایتی دیگر افزون بر آن آمده است که عمر (رض) پس از آن رو به بزرگان بدر کرد و فرمود شما چگونه سرزنش ام می کنید، در حالی که علت راه دادن این جوان به این مجلس را خود مشاهده کردید.» [بخاری، مسند احمد، ترمذی، ابن جریر، ابن مردویه، بغوی، بیهقی و ابن المنذر].

همچنان در حدیثی دیگری به روایت ابن عباس رضی الله عنهما آمده است که فرمود: چون سوره «نصر» نازل شد، رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «با نزول آن خیر مرگ من به من داده شده است». اصحابه کرام نیز بر این معنی متفق القول اند و ایشان این معنی را از آن روی دانستند که امر مطلق به تسبیح، تحمید و استغفار دلیل بر آن است که کار ابلاغ دعوت به اتمام رسیده است و این خود اقتضا می کند که پیام آور حق صلی الله علیه و سلم از این دنیا رخت سفر بر بندد.

روایت شده است که چون این سوره نازل شد، رسول الله صلی الله علیه و سلم خطابه ایراد کرده و در آن فرمودند: «إن عبدا خيره الله بين الدنيا وبين لقاؤه والآخره، فاختار لقاء الله: همانا خداوند بنده را در میان دنیا و میان آخرت و لقای خویش مخیر گردانید پس او لقای خدا را انتخاب کرد.»
خوانندگان گرامی!

چیزی که خداوند پیامبرش را بدان مژده داده تحقق یافت. و اما فرمانی که خدا بعد از به دست آمدن یاری و فتح، پیامبرش را بدان فرمان داد این است که پیامبر باید او را به خاطر این چیز سپاس بگزارد و خدا را به پاکی یاد کند و از او آمرزش بخواهد. و همواره از او طلب مغفرت نماید، دین پیروز می گردد و بر پیروزی اش افزوده می شود، زیرا سپاس و ستایش و استغفار از مصادیق به جای آوردن شکر است.
خداوند می فرماید: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» (سوره ابراهیم: 7). «اگر شکر گزار باشید به شما بیشتر خواهم داد.»

واقعاً هم عظمت اسلام در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم و در زمان خلفای راشدین و بعد از آن چنان به عظمت و پیروزی دست یافت که هیچ یک از ادیان آسمانی به آن جا نرسیده بودند و چنان مردم به آن گرویدند که به دیگر ادیان نگروده بودند. انسان باید از پیروزی بدست آمده خویش شکر گزار باشد، فاتحان اکثراً بعد از فتح به امراض غرور و تکبر مبتلا میشوند، و پیروزی را نتیجه شایستگی ها و بر ازندگی های می پندارند نسبت به دیگران احساس برتری می کنند، خواهان امتیاز میشوند، احساس غرور و خود بزرگ بینی شان در برخورد با دیگران نمایان می شود.

ولی انسان باید همواره به یاد الله باشد؛ بی هیچ گونه فراموشی و در راه او گام بردارد؛ بدون هیچ گونه معصیت؛ و اطاعت فرمان او کند خالی از هرگونه سرپیچی؛ و مسلم است که این اوصاف در کمتر کسی جمع می شود.

نقطه دوم که مفسران در تفسیر این سوره مینویسند اینست که: زمان مرگ پیامبر صلی الله علیه و سلم نزدیک شده است، و از آنجا که زندگی او بسیار با ارزش است خداوند به آن سوگند خورده است. و امور با ارزش از قبیل نماز و حج و غیره با ارزش خواستن پایان مییابد. پس امر نمودن خداوند پیامبرش را به این که خدا را ستایش کند و از الله متعال آمرزش بخواهد، اشاره است به این که دوران حیات او به سر رسیده است و باید خودش را برای ملاقات با پروردگارش آماده نماید و عمرش را با بهترین چیزها به پایان ببرد.

سیرت نویسان می نویسند که: پس از نزول این سوره، تمام جزیر العرب و سایر قبایل غیر عرب، مسلمان شدند، دسته دسته دین خدا را پذیرفتند، به تسبیح و تقدیس و حمد و ثنای پروردگار و آمرزش، به بارگاهش روی آوردند و با شور و شعف از دین رهایی بخش اسلام، استقبال نمودند. دین اسلام؛ یعنی، دینی که این آیات، آن را بیان می کند: (آل عمران/ ۱۹ و ۸۵). جز دین اسلام، دینی از کسی پذیرفته نیست و هر کس چنین کند از زیانکاران است. (تفهیم القرآن و تفسیر فرقان).

تعداد آیات ، کلمات و حروف سوره النصر :

طوری که در فوق یادآور شدیم ؛ (سوره النصر) مدنی بوده، داری (1) رکوع، (3) سه آیت، (19) نوزده کلمه، (82) هشتاد و دو حرف و (34) سی و چهار نقطه است. (لازم به ذکر است که اقوال علماء در نوع حساب کردن تعداد حروف سوره های قرآن متفاوت و مختلف است.) برای تفصیل این مبحث میتوانید به سوره الطور، تفسیر احمد مراجعه فرماید.) ناگفته نباید گذاشت که : این سوره به اجماع مفسران ، از جمله سوره های مدنی میباشد .

پیوند و ارتباط سوره النصر با سوره الكافرون :

در سوره الكافرون اشاره بعمل آمده است که : دین اسلام و آیین غیر اسلام با هم فرق فراوانی دارند و این که: دین و آیین کافران، نابود شدنی است. این سوره هم از فتح و ظفر دین اسلام و گرویدن فوج مردم به اسلام خبر میدهد .

اسباب نزول سوره النصر:

عبد الرزاق در «مصنف» از معمر از زهري روایت می کند: رسول الله صلي الله عليه وسلم هنگام فتح مکه وارد آن شهر شد خالد بن وليد (رض) را بطرف (جناح پایین مکه مکرمه) فرستاد، و آن بزرگوار با سپاه تحت قیادت خویش در آن قسمت با برخی از سپاه قریش مواجه شد و با آنها به جنگ پرداخت و خدا جل جلاله مشرکان را مغلوب و مسلمانان را پیروز کرد و در آن حال مسلمانان به دستور پیامبر صلي الله عليه وسلم سلاح خود را از گلوي شکست خورندگان برداشتند، و سپس آنها دین اسلام را پذیرفتند.

موضوعات کلی سوره النصر:

موضوعات کلی این سوره عبارتند از:

- فتح مکه و فضل الهی نسبت به بنی آدم
- پیشگویی ایمان آوردن مردم
- اشاره به رحلت پیامبر صلي الله عليه وسلم
- شکر گذاری انسان از نعمتهای پروردگار با عظمت
- توبه پذیری و رحمت و لطف بی پایان پروردگار.

محتوای سوره النصر:

این سوره بعد از هجرت نازل شده است، که در آن به رسول الله صلی الله علیه وسلم، بشارت به پیروزی بزرگ و عظیمی می دهد، که همان فتح مکه و به تعقیب آن پیوستن گروه گروه از مردم به دامن دین مقدس اسلام مییاشد. بناءً به شکرانه این نعمت بزرگ پیامبر صلی الله علیه وسلم را دعوت به «تسبیح» و «حمد» الهی و «استغفار» می کند. گرچه در اسلام فتوحات زیادی رخ داد، ولی فتحی با مشخصات فوق جز «فتح مکه» نبود، بخصوص این که طبق بعضی از روایات، اعراب معتقد بودند اگر پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم مکه را فتح کند و بر آن مسلط گردد این دلیل بر حقانیت اوست. برخی از مفسرین می فرمایند که این سوره بعد از «صلح حدیبیه» در سال ششم هجرت، و دو سال قبل از «فتح مکه» نازل گردید. ولی همه مفسرین در این مورد اتفاق دارند که هدف «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» در مورد فتح مکه نازل شده است. و آنرا از لفظ «إِذَا جَاءَ» معلوم میدارند که سوره قبل از فتح مکه نازل شده است.

در تفسیر روح «المعانی» به حواله «بحر المحیط» روایتی موافق با این آمده است که نزول این سوره بعد از بر گشت از غزوه خیبر بیان شده است، و فتح خیبر قبل از فتح مکه، معروف و مشهور است.

هکذا در تفسیر «روح المعانی» به سند عبد بن حمید از حضرت قتاده منقول است که رسول الله صلی الله علیه وسلم بعد از نزول این سوره تا دو سال زنده ماند.

حاصل این روایت نیز این است که این سوره قبل از فتح مکه نازل شده است، زیرا از فتح مکه تا وفات آن حضرت صلی الله علیه وسلم از دو سال کمتر است. (این در صورتی است که وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم در سال 10 هجری باشد، حال آنکه در سال 11 هجری اتفاق افتاده است، زیرا در سال 9 هجری حضرت ابوبکر صدیق مراسم حج را بجا آورد و در سال 10 هجری حجة الوداع شده پس وفات سال 11 هجری بوده است).

فتح مکه در ماه مبارک رمضان در سال 8 هجری به وقوع پیوست و وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم در ماه ربیع الاول سنه 10 هجری اتفاق افتاد، (سال 11 هجری وفات آن حضرت؟ زیرا در سال 10 هجری حجه الوداع است که در ذوالحجه می باشد که پس از ربیع الاول است) لذا منظور از آنچه در بعضی روایات آمده است که این سوره در فتح مکه یا حجه الوداع نازل شده است، این می باشد که رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را در این موقع بر صحابه تلاوت کرده است و مردم پنداشته اند که اکنون نازل گردیده است. (غرض معلومات بیشتر مراجعه فرماید: به «بیان القرآن»)

در حدیثی آمده است زمانیکه این سوره نازل شد و پیامبر صلی الله علیه وسلم آن را بر یاران خود تلاوت کرد همگی خوشحال و خوشدل شدند، در این میان حضرت عباس کاکا پیامبر صلی الله علیه وسلم به محض شنیدن این سوره گریان کرد و اشک از چشمش بیان شد. پیامبر صلی الله علیه وسلم از حضرت عباس (رض) پرسید ای کاکا چرا گریه می کنی حضرت عباس (رض) در جواب رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: گمان می کنم خبر رحلت شما در این سوره داده شده ای رسول الله! پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: مطلب همان گونه است که تو می گوئی.

ترجمه و تفسیر سُورَةُ النَصْرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
به نام خدای بخشاینده و مهربان

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴿١﴾ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴿٢﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ﴿٣﴾

ترجمه موجز:

«إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» (1): «آنگاه که نصرت الهی بیاید و فتح و گشایش». «وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» (2): «و مردم را ببینی که دسته دسته و گروه گروه داخل دین خدا می‌شوند». «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا» (3): «پروردگار خود را سپاس و ستایش کن و از او آمرزش بخواه بی‌گمان او توبه‌پذیر است».

تشریح لغات و اصطلاحات:

«إِذَا جَاءَ»: وقتی آمد، آن گاه که آمد. «نَصْرُ اللَّهِ»: یاری و مدد الله در حق تو و مؤمنان، برای پیروزی بر دشمنان. «الْفَتْحُ»: پیروزی، فتح مکه مراد است که به دنبال آن بساطت پرستی از جزیره العرب برچیده شد، و اسلام آماده برای جهش به کشورهای دیگر جهان گشت. «وَرَأَيْتَ»: و دیدی. «ناس»: مردم. «یدخلون»: از مادهی دخل یعنی داخل می‌شوند. در می‌آیند، داخل می‌شوند. «فی دین الله»: دین الله، اینجا به معنی برنامه‌ی خدا و راه خدا آمده. «أَفْوَاجًا»: جمع فوج فوج. دسته دسته، گروه گروه. «سبح»: تسبیح بگوی، نیایش کن. «اسْتَغْفِرْهُ»: (غفر): از او طلب آمرزش کن. استغفار از دلتنگی و شدت غم و اندوه از عدم ایمان قوم خود (ملاحظه شود انعام / 33، حجر / 97، هود / 12، فاطر / 8، محمد / 19، فتح / 2).

«تَوَّابًا»: تواب از ماده‌ی توبه. اصل توبه هم اوبه بوده و اوبه همزه‌اش به «ت» تبدیل شده و توبه گردیده است. یعنی بازگشت انسان از مسیری که بر آن می‌رود و اهل توبه شدن او. البته خداوند هم اهل توبه است. اما نوع توبه خداوند با توبه انسان تفاوت دارد. توبه‌ی انسان یعنی بازگشت از مسیری که بر آن است حال یا خدا متوجه‌اش می‌کند یا خودش متوجه می‌شود یا اهل صلاحی در مسیرش قرار می‌گیرد و می‌گوید: اشتباه می‌کنی، توبه می‌کند و برمی‌گردد اما توبه الله این نیست که راهی را برود و بعداً برگردد. تواب بودن الله در حقیقت مشتاق بودنش به توبه‌ی بنده است، یک معنای توبه خداوند، توفیق توبه است که نصیب بندگان می‌کند و یک معنای دیگر قبول توبه است، پس هم توفیق توبه می‌دهد و هم توبه را از انسان می‌پذیرد.

یادداشت:

اعراب مکه دو قبیله‌ی بزرگ بنوبکر و خزاعه بودند که بعد از اسلام بنوبکر در پناه کفار و خزاعه در پناه مسلمانان بودند. آنها عهد و پیمان داشتند که در پناه حصم باشند به همدیگر تعدی نکنند. اما کفار خیانت کردند و افرادی از قبیله‌ی بنوبکر را فرستادند تا پنهانی افرادی از قبیله‌ی خزاعه را به قتل برسانند. قبیله‌ی خزاعه، به پیامبر صلی الله علیه وسلم شکایت کردند که آنها عهد شکنی کرده‌اند و پیامبر صلی الله علیه وسلم در

مدینه بودند. بدون خبر دادن اهل مکه لشکریانی از یارانش را جمع کرده و بسوی مکه رهسپار شد. قبل از ورود به مکه دستور داد تمام کوه‌های اطراف مکه را شعله‌های آتش بگذارند تا کفار مکه به وحشت بیافتند. سپس وارد مکه شدند و کفار بدون مقاومت کنار کشیدند.

با دستور ایشان 360 بت را که درون کعبه قرار داشت، به فرمان خداوند شکست؛ این اتفاق در سال هشتم هجری رخ داد و تمام اعراب و قبایل عرب بعد از فتح مکه در سال 9 هجری ایمان آورده و مسلمان شدند و این سال، به سال عام الوفود معروف شد. بعد از اینکه رسول الله صلی الله علیه وسلم در سال 10 هجری برای حجة الوداع تشریف بردند، در آن هنگام تمام شبه جزیره ی عرب تحت حاکمیت اسلام قرار گرفته بود و در تمام منطقه هیچ مشرکی باقی نمانده بود.

تفسیر سوره:

«إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» (1):

«چون نصرت الهی و فتح فرارسد» یعنی: ای محمد صلی الله علیه و سلم! آن‌گاه که پیروزی الهی برایت علیه دشمنانت قریش به ظهور آید و مکه بر تو گشوده شود. یعنی حق تعالی برایت گشایش عطا کرد، دل‌ها، چشم‌ها و گوش‌ها را برای قبول دینت گشود و مکه و سایر شهرها را به دست تو فتح کرد.

مفسران فرموده اند: خبر دادن از فتح مکه قبل از وقوع آن، خبر دادن از غیب است، پس، از آثار نبوت است.

نصر: عبارت از تأییدی است که دشمنان با آن مغلوب گردیده و مسلمانان بر آنان برتری پیدا کنند. «فتح»: گشودن دیار دشمنان و ورود به خانه هایشان و نیز گشایش دل‌هایشان برای پذیرش حق است. پس فرق در میان «نصر» و «فتح» این است که: نصر همچون سببی برای فتح می باشد، از این جهت ابتدا نصر ذکر شد و سپس فتح بر آن عطف گردید.

نصرت خداوند، منوط به یاری مردم از دین اوست. «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» (محمد، آیه: 7). کلمه «تَوَابٌ» یازده بار در قرآن آمده است که نه بار همراه با کلمه رحمت «تَوَاباً رَحِيماً»، یکبار همراه با حکمت (نساء، 17). و یک بار به طور مطلق در این سوره آمده است.

فتح و نصرت واقعی از جانب الله متعال است، پس نباید به وسایل و تجهیزات و نیروی انسانی تکیه کنیم، که ممکن است همه امکانات باشد ولی باز هم شکست بخورید. «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» (آل عمران، 126).

«وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» (2):

(و ببینی که مردم فوج فوج در دین الله در آیند) یعنی: ای پیامبر صلی الله علیه و سلم! در هنگام رسیدن نصرت و فتح، مردم اعم از اعراب و غیر آنان را می بینی که گروه گروه و دسته دسته به دینی در می آیند که خداوند جل جلاله تو را بر آن مبعوث کرده است. باید یادآور شد که؛ تا قبل از فتح مکه مردم یکی یکی مسلمان می شدند، ولی بعد از فتح مکه، گروه گروه به دین اسلام روی آوردند.

مفسر این کثیر می فرماید: طوایف عرب منتظر فتح مکه بودند و می گفتند: اگر بر قوم خود غالب آید، معلوم می شود که پیامبر است. پس وقتی خدا مکه را برایشان گشود،

گروه گروه به دین اسلام درآمدند. و هنوز دو سال از آن سپری نشده بود که جزیره العرب در سایه‌ی ایمان و باور متحد و منسجم گشت و همه‌ی قبایل به حمایت از اسلام برخاستند. (مختصر ۶۸۷/۳. و قرطبی می‌گوید: «إِذَا» به معنی «قد» است؛ یعنی «قد جاء نصر الله»؛ چرا که این سوره بعد از فتح نازل شده است.)

سیرت نویسان می‌نویسند که بعد از اینکه؛ رسول الله صلی الله علیه و سلم مکه را فتح کردند، اعراب گفتند: اما اکنون که محمد صلی الله علیه و سلم بر اهل حرم غالب و پیروز شد درحالی‌که خداوند جلّ جلاله ایشان را از هجوم اصحاب فیل در پناه خود داشت، این خود برهان روشنی است بر این‌که محمد صلی الله علیه و سلم بر حق است و شما علیه او قدرتی ندارید. لذا از ستیز و مقاومت دست برداشته و در مجموعه‌های بزرگی، گروه گروه و دسته دسته یکی بعد از دیگری به اسلام وارد می‌شدند و موج رویکرد به سوی اسلام چنان بود که يك قبیله تماماً به یکبار در اسلام داخل می‌شد.

جمهور فقها و بسیاری از علمای کلام برآنند که: ایمان مقلد صحیح است زیرا حق تعالی بر صحت ایمان این افواج مردم که ایمانی تقلیدی بود، حکم کرد و آنرا از بزرگترین احسانهای خود بر پیامبرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم برشمرد و اگر ایمانشان صحیح نمی‌بود، در این مناسبت از آن یادی نمی‌کرد.

«فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا» (3) :

(پس به حمد پروردگار خود تسبیح بگویی) این آیه، امر به تسبیح گفتن برای پروردگار متعال و ستایش برای وی را با هم جمع کرده است.

ملاحظه می‌داریم که: قرآن کریم به تسبیح خداوند، بیش از تکبیر و تحمید سفارش کرده است. کلمه تسبیح در قرآن بیش از کلمه تکبیر و تحمید آمده است.

«فَسَبِّحْ بِحَمْدِ» پس تسبیح کن، تسبیح به حمد. یعنی ترک منکر به وسیله‌ی انجام معروف یعنی رها کردن ضعف‌ها و نقص‌ها و رفتن به سوی کمالات و ارزش‌ها؛ تسبیح برای تقصیرهایی که بوده است و حمد برای توفیقاتی که نصیب شده است. «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ» سبحان الله والحمد لله، چقدر زیبا می‌شود، وقتی این را بر زبان می‌آوریم، این معنا را هم در ذهن داشته باشیم که من بایستی عملاً در مسیری باشم که از نقص‌ها و ضعف‌ها فاصله بگیرم و به سوی قوت‌ها و کمالات بروم، همیشه باید اینطور باشیم.

مراد از حمد هم ستایش الله است و هم سپاس اوست و مراد از تسبیح پاک و منزّه قرار دادن پروردگار با عظمت از هر لحاظ است.

«وَاسْتَغْفِرْهُ» : و از او آمرزش خواه» یعنی از رب ات بخواه که سهوا، خطاها و کوتاهی‌هایی را که احتمالاً در انجام دادن این خدمت از تو سرزده، از آن‌ها درگذرد.

تسبیح گفتن برای پروردگار متعال از خوشحالی آن حضرت صلی الله علیه و سلم نسبت به رخداد‌های عظیم پیروزی خبر می‌دهد که حتی به فکر ایشان و به فکر احادی از مردم خطور نمی‌کرد؛ و حمد و ستایش حق تعالی، در برابر صنع زیبا و رفتار روح افزایش با پیامبرش صلی الله علیه و سلم و منت عظیم وی بر ایشان در نصر و فتح ام القری می‌باشد «و از او آمرزش بخواه» برای لغزش‌های؛ به عنوان نوعی تواضع و فروتنی برای حق تعالی و کوچک شمردن و اندک دانستن عمل خویش و نیز برای آموختن این امر به امت «هرآینه الله همواره توبه‌پذیر است» یعنی: از شأن وی این است که بر آمرزش خواهان توبه بپذیرد و بر آنان به رحمت بازگردد.

هر کس، حتی پیامبر، هر قدر هم تسبیح و تحمید کند، در پایان آن استغفار کند. «إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (3)» (او بسیار توبه پذیر است) این فهم عالی را به مسلمانان میرساند که: این فرمان الله متعال همواره به مسلمانان این درس را می دهد که هیچ عبادت و ریاضت و هیچ خدمت دین خود را چیز بزرگی نپندارند، بلکه حتی پس از فداکردن جان خود در راه الله باز هم چنین تصور نمایند که: حق این است که حق ادا نشد. همچنین هرگاه پیروزی ای نصیب آنان شد، آن را نتیجه توانایی های خود نپندارند، بلکه فضل خدای بلند مرتبه بدانند و به جای آن که به سبب آن دچار کبر و غرور شوند، سرشان را با فروتنی در برابر پروردگار خود خم کنند و او را به پاکی بستایند و توبه و استغفار کنند.

هرگاه قرب مرگ احساس شود باید به تسبیح و کثرت استغفار پرداخت: عائشه (رض) می فرماید که رسول الله صلی الله علیه وسلم پیش از وفاتشان کلمات سبحانک الله و بحمدک استغفرک و اتوب الیک (و در برخی از روایت ها آمده است که سبحان الله و بحمده، استغفر الله و اتوب الیه را به کثرت می خواندند. من عرض کردم که یا رسول الله (ص) این ها چه کلماتی هستند که شما تازگی ها به کثرت آن ها را می خوانید؟ فرمودند برای من نشانه ای مقرر شده است که هنگامی که آن را دیدم به خواندن این کلمات روی آورم و آن نشانه این است: «اذا جاء نصر الله و الفتح.» [مسند احمد، مسلم، ابن جریر، ابن المنذر، ابن مردویه] در برخی از روایت های دیگر شبیه همین از عائشه (رض) نقل شده است که رسول الله (ص) در رکوع و سجودش به کثرت این الفاظ را می خواندند که: «سبحانک اللهم و بحمدک، اللهم اغفر لی» و این برداشتی بود که ایشان از قرآن (یعنی از سوره ی نصر) فرموده بودند. [بخاری، مسلم، ابوداود، نسائی، ابن ماجه، ابن جریر]

ام سلمه (رض) می فرماید که در اواخر زمان حیات مبارک رسول الله صلی الله علیه وسلم همواره و در هر حال کلمات ذیل بر زبان مبارک ایشان جاری بودند: «سبحان الله و بحمده.» روزی من پرسیدم یا رسول الله شما چرا به کثرت این ذکر را می خوانید؟ فرمودند، من به این دستور داده شده ام و سپس همین سوره را خواندند. روایت عبدالله بن مسعود است که هنگامی که این سوره نازل شد، رسول الله صلی الله علیه وسلم به کثرت این ذکر را می فرمودند: «سبحانک الله و بحمدک. اللهم اغفر لی، سبحانک ربنا و بحمدک، الله اغفر لی إنک انت التواب الحیم.» [ابن جریر، مسند احمد، ابن ابی حاتم]

ابن عباس (رض) بیان می کند که رسول الله (ص) پس از نازل شدن این سوره با چنان شدتی مشغول تلاش و ریاضت برای آخرت شدند که هیچ گاه پیش از آن نشده بودند. [نسائی، طبرانی، ابن ابی حاتم، ابن مردویه]

ابن عباس (رض) بیان می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم پس از نازل شدن این سوره با چنان شدتی مشغول تلاش و ریاضت برای آخرت شدند که هیچ گاه پیش از آن نشده بودند. [نسائی، طبرانی، ابن ابی حاتم، ابن مردویه]

حضرت ابوهریره (رض) می فرماید که رسول الله صلی الله علیه وسلم پس از نزول این سوره در عبادت، بیشتر مجاهده می کرد، تا این که در پاهایش ورم می کرد (قرطبی).

آخرین سوره و آخرین آیات قرآنی :

در صحیح «مسلم» از حضرت ابن عباس منقول است که سوره «نصر» آخرین سوره ی از قرآن است، (قرطبی) مقصود این که بعد از آن سوره ی کاملی دیگر نازل نشده است، نزول بعضی آیات در بعضی روایات که بعد از این بیان شده، با این منافاتی ندارد، هم چنان که سوره ی فاتحه اولین سوره از همه قرا «به این معنا است که سوره ای کاملی قبل از فاتحه نازل نشده است، و نزول چند آیه از سوره های «اقرأ، مدثر» و غیره قبل از فاتحه با آن منافی نیست.

حضرت ابن عمر فرموده است که این سوره در حجة الوداع نازل شده است، و پس از آن آیه «الیوم اکملت لکم دینکم» (سوره مائده، 3) نازل گردیده، و پس از نزول اینها رسول الله صلی الله علیه وسلم فقط هشتاد روز در دنیا ماند ند (و پس از هشتاد روز وفات کردند) و پس از آن دوتا آیه کلاله نازل گردید، که پس از آن فقط پنجاه روز از عمر آن حضرت مانده بود، سپس آیه: «لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم» (سوره توبه آیه 128) نازل شد، و بعد از آن از عمر رسول الله فقط سی روز باقی بود، از آن به بعد آیه «واتقوا یوماً تر جعون فیہ الی الله» (سوره بقره آیه 281) نازل گردید که پس از آن رسول الله در بیست و یکمین روز و مطابق روایت مقاتل هفتمین روز وفات نمود (تفسیر قرطبی) **تکبر:**

پروردگار با عظمت ما در (آیه 23 سوره نحل) با زیبایی خاصی میفرماید: «خداوند متکبران را دوست نمی دارد».

«تکبر» یعنی اینکه انسان خود را نسبت به سایر انسانها بلند و بالاتر بحساب آرد، و در ضمن معتقد هم باشد که نسبت به سایر انسانها برتری دارد، و دیگران به نظر اش کوچک جلوه نماید.

قرآن عظیم الشان در آیه 146 سوره اعراف میفرماید: «به زودی کسانی را که در روی زمین به ناحق ادعای بزرگی می کنند، از (ایمان به) آیات خود، رویگردان خواهم ساخت» و «آنانی که بدون هیچ دلیلی با آیات الهی به مجادله بر می خیزند، در نتیجه نزد خدا و اهل ایمان سخت مورد غضب هستند و بدین گونه است که خداوند بر دل هر متکبر جباری مُهر می زند» (آیه 35 سوره غافر)

تکبر اینست که: انسان خود را بالاتر از دیگران بشمارد، و معتقد هم شود که بر آنها برتری دارد، و دیگری را کوچک شمارد. تکبر و خود برتری؛ گاه انسان را در برابر پروردگار و پیامبران و فرستادگان الهی به تمرّد و سرکشی می کشاند و گاه او را در میان هموعان و بندگان خدا به برتری جویی وا می دارد.

کبر و تکبر و استکبار - در معنی به هم نزدیکند، کبر حالتی است که انسان با بزرگ دیدن خویش به آن صفت مخصوص میشود و این وقتی است که انسان جان و وجود خویش را از غیر خویش بزرگتر می بیند. بزرگترین و سنگین ترین تکبرها، تکبر بر خداوند در خودداری از قبول حق و عدم اقرار به آن در پرسش است. (مفردات راغب اصفهانی). تکبر و غرور در حکم و شریعت خداوند جرم بسیار سنگینی است، خداوند نسبت به متکبران بسیار خشمگین است. لذا تکبر و غرور در برابر مسلمین حرام است، و از خصلت های نکوهیده ای است که بنوعی جزو امراض قلوب می باشد، که بایست در فکر درمان آن بود.

در قرآن عظیم الشان تکبر از صفات بسیار نکوهیده بشر شمرده شده است. در برخی آیات به کلمه متکبر تصریح شده است؛ آیاتی که دوزخ را جایگاه متکبران معرفی میکند: «فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ» (سوره نحل 29) یعنی: پس از درهای جهنم وارد شوید در حالی که در آنجا جاودانه خواهید بود. چه بد است جایگاه متکبران.

و تکبر موجب می شود که مسلمان وارد بهشت نشود، چنانکه حدیث صحیحی از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده است که می فرماید: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مَقَالٌ ذَرَّةً مِنْ كِبَرٍ...». مسلم (131). «کسی که هم وزن ذره غرور و کبر در دل داشته باشد، وارد بهشت نمی شود.» روزی که خداوند بندگان را زنده نموده و در میدان حشر جمع خواهند شد، متکبران را در یک وضعیت بسیار حقارت آمیز حشر خواهد کرد.

در حدیثی که امام ترمذی آن را روایت کرده رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «يُحْشَرُ الْمُتَكَبِّرُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْثَالَ الذَّرِّ فِي صُورِ الرِّجَالِ يَعْشَاهُمْ الدَّلُّ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ» مشكاة المصابيح: (635-2) شماره: (5112). (متکبران روز قیامت در نهایت پستی و کوچکی مانند مورچه حشر می شوند، در حالی ذلت و نگون بختی از هر طرف آنان را احاطه کرده است.) «الذَّرُّ» به معنی مورچه است، معمولاً مردم به آنها توجه نمی کنند، در حالی که کسی متوجه آنها نمی شود، زیر پا و پایمال می شوند.

بنابراین هر مسلمانی که دارای این مریضی است باید در فکر تداوی و معالجه آن گردد، و بجای کبر و غرور راه تواضع و فروتنی را در پیش گیرد، و بداند که آنکسی نزد خداوند متعال از همه گرامی تر است که اهل تقوای بیشتری باشد: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاهُمْ» (سوره الحجرات: 13) «در حقیقت ارجمندترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شماست.» یعنی برتری میان شما در نزد حق تعالی، فقط با تقوی است پس هر کس از تقوی برخوردار باشد، سزاوار آن است که گرامی تر، بهتر و برتر باشد بنابراین، تفاخر به نسب و ثروت و جاه و منصب دنیوی را فروگذارید.

و قطعاً تقوی و تکبر با هم سازگار نیستند و کسی که اهل تقوا باشد، از خصلت غرور و تکبر میراست. و کسانی که این مریضی درونی را دارند باید توبه کنند، و راه تزکیه نفس را در پیش گیرند و دیگر در مقابل با خواهر و برادر مسلمانان احساس بزرگ بینی و غرور نکنند، تا به مرور زمان این مریضی علاج شود و جای خود را به تواضع و فروتنی بدهد، و خداوند متعال صفت مؤمنان را چنین بیان می کند: «أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ» (سوره مائده 54). یعنی: در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند.

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبي الكريم.

فهرست موضوعات و مطالب سُورَةُ النَّصْرِ

شماره	نام سوره	معانی و محتوای سوره ها	صفحه
	سُورَةُ النَّصْرِ	- النصر = یاری	
1		- محتوای سوره نصر: در این سوره خداوند بشارت و نوید پیروزی عظیمی را به پیامبر صلی الله علیه وسلم می دهد که به دنبال آن مردم گروه گروه به دین خدا شامل می شوند.	
2		- وجه تسمیه	
3		- سایر نام های این سوره .	
4		- زمان نزول سوره النصر.	
5		- تعداد آیات ، کلمات و حروف سوره النصر .	
6		- پیوند و ارتباط سوره النصر با سوره الکافرون.	
7		- اسباب نزول سوره النصر.	
8		- موضوعات کلی سوره النصر.	
9		- محتوای سوره النصر.	
10		- تشریح لغات و اصطلاحات.	
11		- ترجمه و تفسیر سوره.	
12		- آخرین سوره و آخرین آیات قرآنی .	
13		- تکبیر.	

مکثی بر بعضی از منابع و مأخذها

1- تفسیر صفوة التفاسیر:

تألیف محمد علی صابونی (مولود 1930 م) این تفسیر در سال 1399 ق نوشته شده است. نویسنده در تدوین این تفسیر از مهم ترین و معتبرترین کتب تفسیر از جمله: تفسیر طبری، کشاف، قرطبی، آلوسی، ابن کثیر، البحر المحیط و... استفاده بعمل آورده است .

2- تفسیر انوار القرآن:

تألیف عبدالرؤف مخلص هروی . «تفسیر انوار القرآن» گزیده ای از سه تفسیر: فتح القدیر شوکانی، تفسیر ابن کثیر و تفسیر المنیر وهبه الزحیلی می باشد. سال نشر: 1389 هجری قمری - محل نشر: احمد جام - افغانستان

3 - تفسیر المیسر:

تألیف: دکتر عایض بن عبدالله القرنی (اول جنوری 1959 م مطابق 1379 هجری)

انتشارات : شیخ الاسلام احمد جام سال چاپ : 1395 هـ .

4- تفسیر کابلی

تفسیر کابلی (ترجمه فارسی ترجمه عثمانی) مفسر : شیخ الإسلام حضرت مولانا شبیر احمد عثمانی رحمہ اللہ علیہ ، مترجم : شیخ الہند حضرت مولانا محمود الحسن رحمہ اللہ علیہ ، ترجمہ دری / فارسی: جمعی از علمای افغانستان.

5- تفسیر معالم التنزیل - بغوی:

تفسیر البغوی تألیف حسین بن مسعود بغوی (متوفی سال 516 هجری قمری) این تفسیر به زبان عربی نوشته شده ، واز تفسیر الکشف والبیان ثعلبی بسیار متأثر می باشد.

6- تفسیر زاد المسیر فی علم التفسیر:

تألیف: ابن جوزی ابو الفرج عبدالرحمن بن علی (510 هجری / 1116 میلادی - 12 رمضان 592 هجری) «زاد المسیر فی علم التفسیر» مشهور به «زاد المسیر»، تفسیر متوسط ابن جوزی میباشد که: این تفسیر خلاصه از تفسیر بزرگ وی بنام المغنی فی تفسیر القرآن می باشد.

7- البحر المحیط فی التفسیر القرآن: ابو حیان الأندلسی:

تألیف: محمد بن یوسف بن علی بن حیان نفری غرناطی (654 - 745ق) مشهور به ابو حیان غرناطی. تفسیر «البحر المحیط» به زبان عربی می باشد. وی به تحقیق پیرامون کلمات هر آیه و اختلاف ترکیب ها و بلاغت ، توجه خاصی مبذول داشته است .

8- تفسیر تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر:

تفسیر القرآن العظیم : تألیف عماد الدین اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی (متوفی 774ق) مشهور به ابن کثیر. که از علماء ممتاز و محقق قرن هشتم به شمار می آید . (جلال الدین سیوطی، مفسر و قرآن شناس بزرگ اسلامی می فرماید: ابن کثیر تفسیری دارد، که در سبک و روش همانندش نگاشته نشده است).

9 - تفسیر بیضاوی:

یا «أنوار التنزیل و أسرار التأویل، مشهور به «تفسیر بیضاوی» تألیف شیخ ناصر الدین عبد الله بن عمر بیضاوی (متوفی سال 791 هـ) در قرن هفتم هجری این تفسیر به زبان عربی تحریر یافته است . و در سال (1418 ق یا 1998 م) دار إحياء التراث العربی - بیروت - لبنان بچاپ رسیده است .

10- تفسیر الجلالین « التفسیر الجلالین »:

جلال الدین محلی و شاگردش جلال الدین سیوطی (وفات جلال الدین محلی سال 864 و وفات جلال الدین سیوطی سال 911 هـ) (سال نشر: 1416 ق یا 1996 م . ناشر: مؤسسة النور للمطبوعات مکان نشر : بیروت - لبنان) این تفسیر در قرن دهم هجری بزبان عربی واز محدود تفاسیری است که توسط چند عالم نوشته شده باشد.

11- تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن - تفسیر طبری:

علامه أبو جعفر محمد بن جریر بن یزید طبری متولد (224 وفات 310 هجری قمری)

در بغداد ویا (839 - 923 میلادی) (قرن 4 قمری، ناشر: دار المعرفة، محل نشر: بیروت) شیخ طبری یکی از محدثین، مفسر، فقهی و مؤرخ مشهور سده سوم قمری است.

12- تفسیر ابن جزى التسهیل لعلم التزیل:

تألیف محمد بن احمد بن جزى غرناطی الکلبی مشهور به جُزَى (متوفی 741ق) (ناشر: شركة دار الأرقم بن أبیالأرقم، بیروت - لبنان) یکی از موجزترین و در عین حال مفیدترین و فراگیرترین تفاسیر مغرب اسلامی است.

13- تفسیر ابو السعود:

«تفسیر إرشاد العقل السلیم إلی مزیای الكتاب الکریم» تألیف: مفسر شیخ ابوالسعود محمد بن محمد بن مصطفی عمادی (متوفی 982) از علمای ترک نژاد می باشد. (محل طبع: مکتبه الریاض الحدیثه بالریاض).

14- تفسیر فی ظلال القرآن:

تالیف: سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی (متوفی سال 1387 هـ). سال نشر 1408ق یا 1988 م. ناشر: دار الشروق، مکان نشر، بیروت - لبنان

15- تفسیر الجامع لاحکام القرآن - تفسیر القرطبی:

نام مؤلف: عالم و محقق مشهور اندلس (اسپانیا) علامه ابو عبد الله محمد بن احمد بن بکر بن فرح القرطبی (متوفی سال 671 هجری) هدف اساسی وی از تألیف این تفسیر استنباط احکام و مسائل فقهی از قرآن کریم بوده است.

16- تفسیر معارف القرآن:

مؤلف: حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا شیخ الحدیث حضرت مولانا محمد یوسف حسین پور.

17- تفسیر خازان:

نام تفسیر: «لباب التأویل فی معانی التزیل (تفسیر الخازان» تألیف: علاء الدین علی بن محمد بغدادی مشهور به الخازان (متولد 678 و متوفای 741 هجری می باشد).

18- روح المعانی (الوسی):

تفسیر «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم» اثر محمود أفندی آلوسی است. (1217 - 1270ق) سال نشر: 01 ینایر 2007 محل نشر، اداره الطباعة المنيرية تصوير دار إحيار التراث العربي.

19- جلال الدين سيوطي:

«الاتقان في علوم القرآن» تفسیر الدار المنثور في التفسیر با لمأثور» مؤلف: حافظ جلال الدين عبد الرحمن بن ابی بکر سيوطي شافعي. (1445 - 1505م) مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف 1426 هـ المدينة المنوره

20- زجاج: «تفسیر معانی القرآن فی التفسیر»:

مؤلف: الزَّجَّاجُ أو أبو إسحاق الزَّجَّاجُ أو أبو إسحاق إبراهيم بن محمد بن السرى بن سهل الزجاج البغدادي است. (241 هجری - 311 هجری 855 - 923 میلادی)

21- تفسیر ابن عطية:

نام کامل تفسیر: «المحرر الوجيز فی تفسیر الكتاب العزيز ابن عطية» بوده

مؤلف آن: أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن بن تمام بن عطية الأندلسي المحاربي (المتوفى: 542هـ) سال نشر: سنة النشر: 1422 - 2001 ، دار ابن حزم.

22- تفسیر قتادة:

أبو الخطاب قتادة بن دعامة بن عكابة الدوسي بصري (61 هـ - 118 هـ ، 680 - 736 م) . وى از جمله تابعین بوده ، که در علوم لغت ، تاریخ عرب ، نسب شناسی ، حدیث ، شعر عرب ، تفسیر ، دسترسى داشت . و در ضمن حافظ بود ، در بصره عراق زندگى بسر برده ولى نابینا بود . امام احمد حنبل درباره او مى گوید: «او با حافظه ترین اهل بصره بود و چیزی نمى شنید مگر اینکه آن را حفظ مى کرد، من یک بار صحیفه جابر را برای او خواندم و او حفظ شد.» حافظه او در طول تاریخ ضرب المثل بود. او در عراق به مرض طاعون در گذشت.

23- تفسیر کشاف مشهور به تفسیر زمخشری.

« تفسیر الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل » مشهور به تفسیر کشاف . مؤلف : جارالله زمخشری (27 رجب 467 - 9 ذیحجه 538 هـ) این تفسیر برای بار اول در سال: 1856 میلادی در دو جلد در کلکته بچاپ رسید ، سپس در سال 1291 در بولاق مصر ، و در سال های 1307 ، 1308 ، و 1318 در قاهره به چاپ رسیده است . محل نشر: انتشارات دار إحیا التراث العربی.

24- تفسیر مختصر:

تفسیر ابن کثیر: مؤلف: ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب طبری مشهور به جریر طبری متولد 224 وفات 310 هجری قمری در بغداد (218 - 301 هجری شمسی) . تاریخ طبری مشهور به پدر علم و تاریخ و تفسیر است . سال طبع هفتم : 1402 هـ - 1981 م - محل طبع : دار القرآن الکریم، بیروت - لبنان.

25- مفسر صاوی المالکی :

«حاشیة الصاوی علی تفسیر الجلالین فی التفسیر القرآن الکریم » مؤلف : احمد بن محمد صاوی (1175-1241ق) است . سال و محل طبع : : بالمطبعة العامرة الشرفية سنة 1318 هجرية.

26- سعید حوی :

حَوّی، سعید، حَوّی، سعید، مفسر « الأساس فی التفسیر (یازده جلد؛ قاهره 1405) ، که از مهم ترین و اثرگذارترین آثار حوی به شمار می آید . سال نشر : 1424ق یا 2003 م ، محل نشر قاهره - مصر موسسه دار السلام

27- تفسیر کبیر فخر رازی:

تفسیر فخر رازی مشهور به تفسیر کبیر، شیخ الإسلام فخرالدین رازی (544 هـ - 606 هـ) تفسیر کبیر مهم ترین و جامع ترین اثر فخر رازی و یکی از چند تفسیر مهم و برجسته قرآن کریم به زبان عربی است .

28- تفسیر سدی کبیر :

تفسیر سدی کبیر اثر «ابو محمد اسماعیل بن عبدالرحمان»، معروف به سدی کبیر، متوفای 128 هجری قمری از مردم حجاز است که در کوفه می زیست . وی مفسری عالی قدر و نویسنده ای توانا در تاریخ، بخصوص درباره ی غزوات

(جنگ‌های) صدر اسلام است. از تفسیر او به نام «تفسیر کبیر» یاد می‌شود که از منابع سرشار تفاسیری است که پس از وی به رشته‌ی تحریر در آمده است. «جلال الدین سیوطی» به نقل از «خلیلی» می‌گوید: سدی، تفسیر خود را با ذکر سندهایی از «ابن مسعود» و «ابن عباس» نقل کرده است و بزرگانی چون «ثوری» و «شعبه» از او روایت کرده‌اند.

29- تفسیر المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز:

مؤلف: ابومحمد عبدالحق بن غالب بن عبدالرحمن بن غالب محاربی معروف به ابن عطیه اندلسی (481 - 541 هجری)

30 - تفسیر فرقان

تألیف: شیخ بهاء الدین حسینی

31 - کتاب حاشیة محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی

نویسنده: شیخ‌زاده، محمد بن مصطفی

زبان: عربی

ناشر: دار الکتب العلمیة

سایر نویسندگان: نویسنده: بیضاوی، عبدالله بن عمر - مصحح: شاهین، محمد عبدالقادر - نویسنده: شیخ‌زاده، محمد بن مصطفی .

32 - تفسیر گلشاهی

مؤلف: دکتر آناتواق آخوند گلشاهی

موضوع: ترجمه و تفسیر کامل قرآن کریم

33 - کتاب حاشیة محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی

نویسنده: شیخ‌زاده، محمد بن مصطفی

زبان: عربی

34 - تفسیر مجاهد

تفسیر مجاهد، اثر ابوالحجاج مجاهد (21 - متوفی 102 یا 103 یا 104 یا 105ق) فرزند جبر و یا جبیر مکی مخزومی از مفسران تابعین و علمای علوم قرآنی است.

35- فیض الباری شرح صحیح البخاری:

داکتر عبد الرحیم فیروز هروی، سال طبع: 26 Jan 2016

36- صحیح مسلم - وصحیح البخاری:

گردآورنده: مسلم بن حجاج نیشاپوری مشهور به امام مسلم که در سال 261 هجری قمری وفات نمود. وگرد آورنده صحیح البخاری: حافظ ابو عبد الله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه بخاری (194 - 256 هجری)

37- تفسیر نور دکتر مصطفی خرم دل:

نام کامل تفسیر نور: «ترجمه معانی قرآن» تألیف: دکتر مصطفی خرم‌دل از کردستان: (متولد سال 1315 هجری، وفات 1399 هجری).

38- مفردات الفاظ القرآن:

از راغب اصفهانی. (خیر الدین زرکلی در کتاب «الأعلام» گفته: او اهل اصفهان بود اما در بغداد سکونت گزید، ادیب مشهوری بود، و در سال 502 هجری قمری وفات

کرد». امام فخرالدین رازی در کتاب «تأسیس التقدیس» در علم اصول ذکر کرده که راغب از ائمه اهل سنت است و مقارن با غزالی بود. (بغیة الوعاة 2 / 297 ، وأساس التقدیس صفحه 7).

39- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم:

شیخ حسنین محمد مخلوف (751هـ - 812 ق) ، اسباب نزول ، علامه جلال الدین سیوطی ترجمه: از عبد الکریم ارشد فاریابی. (انتشارات شیخ الاسلام احمد جام)

ترجمه و تفسیر « سُورَةُ النَّصْرِ »

تتبع و نگارش: امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان
و مسؤل مرکز فرهنگی د حق لاره- جرمنی
درس: saidafghani@hotmail.com

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**